

جایگاه مراقد امامزادگان در عصر صفویه

* مهدی دهقانی

** مهدی وزینی افضل

چکیده

با آغاز دوره حکومت صفویه، اهتمام ویژه‌ای برای ترویج شعایر گوناگون مذهب تشیع صورت پذیرفت. از نمودهای بارز آن، توجه به مقابر بزرگان دین از جمله مراقد امامزادگانی بود که در نواحی مختلف کشور پراکنده بودند؛ چنانکه، فرمانروایان صفوی، اقدامات متعددی برای رونق زیارت آستانه‌های مذکور انجام دادند. بر این مبنا، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که مراقد امامزادگان در عصر صفویه چه جایگاهی داشتند؟ برای پاسخگویی، به این برآورد می‌رسیم که مقابر امامزادگان به تدریج در زمینه‌های مختلف از جمله اقدامات عمرانی از قبیل ساخت و تعمیر بنا و تشکیلات منسجمی همچون مدرسه و قبرستان، زیارت و منزلت اجتماعی بهبود چشمگیری یافتند. به نحوی که پس از مقابر امامان معصوم علیهم‌السلام، مهم‌ترین مراقد زیارتی محسوب می‌شدند. به سبب اهمیت چشمگیر مراقد امامزادگان در زندگی مذهبی و روزمره جامعه، شناخت دقیق زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری‌شان به‌ویژه در دوره صفویه ضرورت مضاعفی می‌یابد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای از منابع دست‌اول تاریخی پس از توصیف و طبقه‌بندی جنبه‌های گوناگون جایگاه مراقد امامزادگان به تحلیل و تفسیر این ویژگی‌ها و تأثیرات مختلف آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی

جایگاه سیاسی مراقد، جایگاه فرهنگی مراقد، جایگاه اقتصادی مراقد، جایگاه اجتماعی مراقد، مراقد دوره صفوی.

مقدمه

در طول تاریخ ایران به‌ویژه با سقوط خلافت عباسی و ترویج مذهب تشیع دوازده امامی در دوران حکومت‌های ایلخانی، تیموری و قراقویونلو، بقاع متبرکه امامان شیعه علیهم‌السلام، امامزادگان، عارفان و صوفیان مورد توجه و زیارت عموم طبقات اجتماعی قرار داشتند. در این میان، تعدد و گستره پراکندگی مقابر امامزادگان، حائز اهمیت مذهبی، اجتماعی و سیاسی فراوانی بود. ویژگی‌هایی همچون واجب‌التعظیم و التکریم بودن، «نسب قلیل الوسایط»، شخصیت، فضیلت و شهادت امامزادگان موجب منزلت اجتماعی و احترام خاص مردم را فراهم می‌آورد. با آغاز حکومت صفویه، تأثیر گزارترین دوره حیات مذهبی و اجتماعی مقابر امامزادگان شکل گرفت که تأثیر بسزایی در ترویج مذهب تشیع ایفا نمودند. بر این اساس، سؤال مذکور مطرح می‌شود: مقابر امامزادگان چه منزلتی در عصر صفویه داشتند؟

در عرف تشیع مراد از امامزاده، فرزندان یا فرزندزادگان ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و اصطلاحاً به جهت ذکر حال و مزار متبرک آنان که در شهرها و روستاهای کشور پراکنده است، اطلاق می‌گردد.^۱ تاکنون، پژوهش‌های متنوعی پیرامون مرقد امامزادگان نگاشته شده که بیشتر پیرامون محورهای معماری، پراکنش و نقش زیارتی آنان است. مقاله «درنگی در جایگاه امامزادگان و تأثیر آن در توسعه فرهنگ زیارت» به بررسی مفاهیم امامزاده و زیارت و جنبه‌های مختلف آن (ارکان و ماهیت زیارت و جایگاه امامزادگان در قرآن و حدیث) می‌پردازد.^۲ پژوهش «کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و روادگاه‌های ایلام» به معرفی امامزاده سید عبدالله و کارکردهای اجتماعی مذهبی، سیاسی و فرهنگی آن پرداخته است.^۳ نگارندگان «سیر تاریخی بناهای آرامگاهی و بقاع متبرکه در ایران دوره اسلامی (مطالعه موردی بقاع متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد)» به پراکنش مقابر امامزادگان در شهرستان‌های مختلف از جمله یاسوج، بهمئی و دنا اشاره کرده‌اند.^۴ نویسندگان «تزیین‌های معماری در بارگاه و بقاع متبرکه امامزادگان مبتنی بر نقوش اسلامی» به بررسی هنرهای تزیینی بارگاه امامزادگان و بقاع متبرکه زاهدان پرداخته‌اند.^۵ مقاله «امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی - ده بید فارس؛ خانقاهی

۱. سید جوادی، *دایرةالمعارف تشیع*، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲. متقی نیک و زارعی، «درنگی در جایگاه امامزادگان و تأثیر آن در توسعه فرهنگ زیارت»، *احسن الحدیث*، ش ۳، ص ۶۸، ۷۰، ۷۲ و ۷۸.

۳. تیموری، «کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و روادگاه‌های ایلام»، *فرهنگ ایلام*، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۱۲، ۲۱۸ - ۲۱۷.

۴. عابدی و دژند، «سیر تاریخی بناهای آرامگاهی و بقاع متبرکه در ایران دوره اسلامی (مطالعه موردی بقاع متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد)» *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، ش ۴، ص ۵۰۴ - ۵۰۳.

۵. زمرشیدی و صادقی، «تزیین‌های معماری در بارگاه و بقاع متبرکه امامزادگان مبتنی بر نقوش اسلامی»، *شهر ایرانی اسلامی*، ش ۲۴، ص ۹ - ۸.

از عصر ایلخانی - تیموری» به توصیف سبک، مصالح و تزیینات معماری امامزاده سلطان ابراهیم پرداخته است.^۱ پژوهش «بقاع متبرکه و امامزاده های غرب مازندران» به انگیزه ساخت، معماری، جایگاه اجتماعی و شجره نامه امامزادگان محلی توجه کرده است.^۲ پژوهش های مذکور، توجه چندانی به بررسی سیر تاریخی و بستر اجتماعی شکل گیری و گسترش مراقد امامزادگان نداشته اند. با این اوصاف، پژوهش کنونی به ترتیب به بررسی جایگاه سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می پردازد. در منابع تاریخی دوره صفویه به مقابر امامزادگان متعددی در گوشه و کنار مملکت به ویژه در ایالاتی همچون فارس، اصفهان، خراسان، گرگان، قزوین و آذربایجان اشاره شده است.

جدول ۱ - ۱: پراکنش جغرافیایی مقابر امامزادگان

اسامی مقابر امامزادگان	موقعیت مکانی
هارون ولایت	میدان نقش جهان اصفهان
اسماعیل	محله یزد (یزد آباد) اصفهان
ابراهیم بطحانی و زین العابدین	بارگاه منسوب به امام سجاده <small>علیه السلام</small> اصفهان
عبدالله	روستای خواسته رود (زیارت) استرآباد
اسماعیل	کوشک زر
عبدالله	روستای اوچان ساوه
سید حمزه بن کاظم <small>علیه السلام</small>	ترشیز
شاه میرعلی حمزه	شیراز
سهل بن علی	آستانه
حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	قم
حسین	قزوین
عبدالعظیم	شهرری

۱. ابراهیمزاده و صالحی، «امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی - ده بید فارس؛ خانقاهی از عصر ایلخانی - تیموری»، *پژوهش های باستان شناسی ایران*، ش ۱۹، ص ۱۷۰، ۱۷۲ و ۱۷۴.
۲. خلعتیری لیمایی، «بقاع متبرکه و امامزاده های غرب مازندران»، *فرهنگ مردم ایران*، ش ۳۴، ص ۱۴۸ - ۱۴۷، ۱۵۱ و ۱۵۳؛ نگارنده «بررسی نقش و کارکرد امامزاده ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تأکید بر امامزاده های شیراز و یزد» به بررسی موجز تاریخی نه امامزاده از جمله ساخت بنا و اوقافشان پرداخته است. (منتظر القائم، «بررسی نقش و کارکرد امامزاده ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تأکید بر امامزاده های شیراز و یزد»، *پژوهش های علوم تاریخی*، ش ۱۲، ص ۱۳۸ - ۱۳۶)؛ در مقاله «کارکرد امنیت بخشی امامزادگان در ایران» به سنت تدفین در جوار مراقد امامزادگان و فرهنگ بست نشینی اشاره شده است. (علوی علی آبادی و واسعی، «کارکرد امنیت بخشی امامزادگان در اسیران»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۳۱، ص ۳۷ - ۳۶)؛ در مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی امامزادگان، به مقالات مرتبطی همچون «بقاع متبرکه و امامزادگان از نگاه سیاحان اروپایی در عصر صفویه» و با «تأثیر مولفه های هویتی امامزادگان بر تاریخ محلی شهرها (بررسی موردی: سادات رضوی در مشهد)» پرداخته شده است. (کامرانی راد، «معرفی مجموعه مقالات حرمت حرم»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۸۷، ص ۱۸۱ و ۱۸۵)

اسامی مقابر امامزادگان	موقعیت مکانی
میراحمد بن محمد بن علی <small>علیه السلام</small> میرعلی بن حسین	ده بریز از توابع لار لار
ابراهیم	مشهد سر
نور مرادبخش	گرگان
اسماعیل (ساورکلاته) هارون بن موسی (الازمن)	علی آباد کتول
شاه بزرگ	ایزدخواست
عبدالله سید صالح	شوشتر
جعفر	پیشوای ورامین
سید علی اکبر	شهرضا
کیا ابوالحسین	تنکابن
یحیی بن زید	روستای میامی، مشهد
محمد محروق	نیشابور
مریم بنت کاظم <small>علیه السلام</small>	ده محمدی، نجف آباد
سید حمزه عون بن علی زید بن علی تبریز	تبریز
قاسم	آران و بیدگل
شعب	سبزوار
امامزادگان خواجه، محمد، اسماعیل و علی میرحسین	چهرم حسین آباد مموئی فسا
محمد حنفیه	جزیره خارک
حبیب بن موسی	کاشان
شاه عبدالعزیز	کوهپایه

جایگاه سیاسی - اجتماعی مراقد امامزادگان

از دیرباز آستانه امامزادگان حرمت و منزلت بالایی در نزد ایرانیان داشت؛ به گونه‌ای که مردم کاملاً مواظب بودند که هیچ غیرمسلمانی وارد حریمشان نشوند. فرمانروایان صفوی هم برای ابراز تعلق خاطر و دین داری‌شان، توجه فراوانی به اقدامات عمرانی در حریم مراقد مقدس امامزادگان داشتند. حرمت حریم امامزادگان چنان بود که شاه عباس اول بنای ساخت میدان نقش جهان اصفهان را در جوار آرامگاه

امامزاده هارون ولایت بنیان نهاد.^۱ به جهت تقدس و منزلت والا، اسامی برخی از نواحی مختلف کشور، منشعب از امامزاده پیرامونشان بود؛ به عنوان مثال امامزاده اسماعیل در کوشک زر، نام کوه هم‌جوار آن بود و روستای خواسته رود استرآباد به سبب وجود امامزاده عبدالله به زیارت تغییر نام داد.^۲ محله امامزاده اسماعیل شهر اصفهان هم به محله امامزاده شهرت داشت که به همین جهت در سال ۱۱۱۵ ق، شاه سلطان حسین، اهالی آنجا را «از تکلف یراق‌پوشی ایام عاشورا و امثال آن از بستن نخل و غیره معاف» نمود.^۳ بر همین منوال، بسیاری از عالمان و بزرگان به واسطه پیوند نسبی یا سببی با امامزادگان مشهور، منزلت اجتماعی فراوانی در جامعه داشتند؛ به عنوان نمونه، میرزا رفیع‌الدین محمد از نوادگان امامزاده ابوجعفر محمد در شهر یزد، داماد امیر سید محمد مستوفی کل موقوفات ممالک محروسه بود که از سادات امامی اصفهان و نوادگان امامزاده زین‌العابدین محسوب می‌شد. هم‌زمان برادر وی سید امیر محمدجعفر مفتی، شیخ‌الاسلام یزد بود.^۴

وجود ناامنی گسترده در لایه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی جامعه دوره صفوی، موجب طلب استغاثه مردم از بزرگان دینی می‌شد. بر همین منوال، کرامات منتج از زیارت مراقد امامزادگان موجب می‌شد تا تمامی طبقات اجتماعی اعتقاد راسخی برای طلب امداد و رفع بلا و فتنه از ارواح طیبه آنان داشته باشند و به زیارت مزار آنان بشتابند؛ به عنوان نمونه در روستای اوجان در حوالی ساوه، متولی برای ثبت معجزات مقبره امامزاده عبدالله در شفای تعدادی مرد و زن بیمار، دفتر ثبتی ترتیب داده بود که نشان دهنده اعتقاد و احترام خاصه اهالی نسبت به آستانه بود.^۵ طلب امداد در مراقد امامزادگان، به ویژه در مواقع بحران‌های سیاسی - نظامی افزایش می‌یافت. پادشاهان صفوی برای جلب وفاداری و تقویت روحیه جنگی نظامیان در مواجهه با شورشگران داخلی، به زیارت مراقد مقدس در مسیر لشکرکشی‌شان می‌شتافتند؛ از جمله در سال ۹۹۵ ق، شاه عباس اول برای کسب تبرک و امداد در تکاپوی دستیابی به سلطنت، به زیارت امامزاده سید حمزه بن کاظم علیه السلام در ترشیز رفت.^۶

در هنگامه‌ای مشابه، شاه عباس اول با زیارت مقبره امامزاده شاه میرعلی حمزه، دعای امداد برای

۱. جنابدی، *روضه الصفویه*، ص ۷۱۴.

۲. ژاکن، *سفر به ایران در قرن هفدهم*، ص ۷۶؛ شاردن، *سفرنامه*، ج ۴، ص ۱۳۷۶؛ معطوفی، *گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، ص ۷۱۵.

۳. میرمحمدصادق، *تاریخ صفویه به روایت سنگ‌نبشته‌ها*، ص ۲۲۴.

۴. مستوفی، *جامع مفیدی*، ج ۳، ص ۱۰۷ و ص ۵۲۴ - ۵۲۳.

۵. فیگوروا، *سفرنامه*، ص ۱۹۵.

۶. جنابدی، *روضه الصفویه*، ص ۶۶۲.

سرکوب شورش یعقوب خان حاکم فارس نمود.^۱ آحاد مردم هم در مواجهه با فجایع اجتماعی و از جمله تجاوز کشورهای همسایه، حتی الامکان به مراقد امامزادگان محل زندگی‌شان پناهنده می‌شدند و اوقات را به نذرونیاز می‌گذراندند؛ چنان که در هنگام حمله لشکریان عثمانی به نواحی ایالت همدان از قبیل توپسرکان، عده‌ای از اهالی به آستانه امامزاده سهل بن علی پناهنده شدند.^۲

به جهت واجب‌التعظیم و التکریم بودن آستانه امامزادگان، بسیاری از اشخاص متقی و حتی گناهکاران در مراقد امامزادگان به شیوه اعتکاف یا بست‌نشینی اوقات می‌گذراندند. در دوره صفویه طبق سنتی متداول، بسیاری از گناهکاران و مغضوبین برای رهایی از مجازات در اماکن مقدس مذکور بست می‌نشستند که از جمله شامل مقامات دیوانی سابق هم می‌شد؛ به عنوان مثال، شاه سلیمان برای مجازات دو نفر از طبیبان سلطنتی به اسامی میرزا صالح و میرزا کوچک فرمان داد که در یکی از عمارات دولتی نزدیک حرم حضرت معصومه علیها السلام تحت نظر باشند و تا پایان عمر به شکرانه اینکه پس از مرگ شاه فقید کشته نشده‌اند، در آنجا به دعاگویی ذات ملوکانه و دوام دولت و سلطنتش بپردازند.^۳ در همین زمینه، در دوره شاه طهماسب اول، اسماعیل سلطان برادر امیرخان موصلو که از امرای شورش محسوب می‌شد به آستانه امامزاده حسین در قزوین پناهنده شد.^۴ بسیاری از اشخاص متقی و درویشان هم در جوار مراقد امامزادگان برای عزلت‌نشینی یا طلب حاجات خویش به سر می‌بردند؛ از جمله در سال ۹۹۰ ق، میرشرف‌الدین حسین مشهور به میرمنشی که در اواخر زندگانی عزلتی جهت عبادت اختیار کرده بود، در آستانه امامزاده عبدالعظیم مجاور و معتکف شد.^۵

پادشاهان صفوی بارها به هنگام سیاحت و شکار در نواحی دور و نزدیک به‌ویژه در اطراف پایتخت، بنا به انگیزه‌های مختلفی همچون نشان دادن دین‌داری، کسب تبرک، دعای برآورده شدن حاجات و همچنین استراحت در عمارات و باغ آستانه‌ها به زیارت مقابر امامزادگان می‌شتافتند. در این میان، شاه اسماعیل اول در مسیر لشکرکشی خویش در همدان برای برآورده شدن حاجت نصرت بر دشمنان، به زیارت امامزاده سهل بن علی رهسپار شد.^۶ شاه طهماسب اول و القاص میرزا هم بارها برای زیارت آستانه حضرت معصومه علیها السلام در منازل، مدرسه و خانه‌های متصل به آستانه ساکن می‌شدند و مورد استقبال میر

۱. قمی، خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۹۱۷.

۲. همان، ص ۸۸۴.

۳. شاردن، سفرونامه، ج ۵، ص ۱۶۶۵.

۴. قمی، خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۱۰۹۰.

۵. همان، ص ۷۳۴؛ نمونه مشابه: در آرامگاه امامزاده اسماعیل محله یزد در اصفهان درخت چنار کهن سال و بزرگی بود که مردم به آن میخ زیاد می‌زدند و قفل و کهنه بسیار به آن می‌بستند. درویشان دور آن دعا می‌کردند و جامه کهنه و صدقه می‌طلبیدند.

(شاردن، سفرونامه، ج ۴، ص ۱۴۷۵)

۶. لاهیجی، تاریخ خانی، ص ۱۹۶.

سید علی رضوی متولی و سایر سادات آستانه قرار می‌گرفتند.^۱ فرمانروایانی همچون شاه صفی و شاه عباس دوم به هنگام شکار بارها به زیارت امامزاده شاه عبدالعزیز ملقب به شاه طور در حوالی کوهپایه اصفهان و یا آستانه عبدالعظیم حسنی در ری رهسپار می‌شدند.^۲

از دوره صفویه پس از مراقد امامان معصوم علیهم‌السلام، مقدس‌ترین اماکن مذهبی، مقابر امامزادگان محسوب می‌شوند که در گستره جغرافیایی کشور پراکنده شده‌اند. مقدس‌ترین و مورد توجه‌ترین امامزادگان، بارگاه حضرت معصومه علیها‌السلام بوده است که به لحاظ اهمیت تدفینی و تقدس مکانی قابل قیاس با مشهد مقدس یا عتبات عالیات قلمداد می‌شود؛ چنان‌که، فرمانروایانی همچون شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان در جوار بارگاه مقدس حضرت معصومه علیها‌السلام مدفون اند.^۳ باین‌همه، مزار بیشتر شاهزادگان صفوی در مراقد امامزادگانی تدفین یافته‌اند که معمولاً در جوار مراکز قدرت سیاسی قرار داشتند. به همین واسطه در زمان پایتختی شهر قزوین، اجساد بیشتر شاهزادگان صفوی در مرقد امامزاده حسین دفن می‌شدند؛ از جمله شاهزادگانی همچون سلطان مصطفی، سلیمان میرزا و سلطان حیدر میرزا و همچنین مهدعلیا همسر شاه محمد خدابنده در آنجا تدفین یافتند.^۴

با اعلام پایتختی شهر اصفهان توسط شاه عباس اول، مقابر امامزادگان آن از جمله بارگاه منسوب به امام سجاد علیه‌السلام که مدفن دو امامزاده ابراهیم بطحانی و زین العابدین بود و امامزاده اسماعیل در محله کلیار اهمیت خاصی یافتند. یکی از سنن متداول عصر صفوی، برگزاری مراسم عزاداری و تشییع مقامات از جمله اعضای خاندان سلطنتی در مقابر مقدس امامزادگان بود که اجساد متوفیان را به‌رسم امانت در آنجا نگهداری می‌کردند تا با بهبود شرایط آب و هوایی و یا حتی سیاسی در اسرع وقت به اماکن مقدس امامان علیهم‌السلام در عتبات یا مشهد مقدس انتقال یابند؛ به عنوان نمونه، با بیم حکومت صفوی از تسلط ازبکان مهاجم بر مشهد مقدس، نعش شاه طهماسب اول را در مرقد منسوب به امام سجاد علیه‌السلام که مدفن دو امامزاده ابراهیم بطحانی و زین العابدین بود، به امانت گذاشتند تا با تهیه مقدمات، در عتبات دفن نمایند. جسد شاهزاده اسماعیل میرزا فرزند شاه‌عباس اول هم در آستانه امامزاده اسماعیل چند روزی به امانت گذاشته شد و در هنگام اعتدال هوا به بارگاه امام رضا علیه‌السلام انتقال یافت.^۵

۱. قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ج ۲، ص ۸۳۷.

۲. واله قزوینی، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم، ص ۲۵۱ و ۶۲۹؛ وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ص ۵۵۴ و ۶۲۷.

۳. شاملو، قصص الخاقانی، ج ۲، ص ۳۰؛ وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ص ۳۰۷.

۴. واله قزوینی، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم، ص ۵۲۵؛ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی: ج ۱، ص ۱۹۷ و ۲۵۱.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۲۷ و ۸۷۰.

متولیان و عالمان آستانه‌های مذکور نقش مهمی در تدفین اعضای خاندان سلطنتی داشتند. آنان مراسم تشییع را برگزار و محل خاک‌سپاری را تعیین می‌کردند؛ چنان‌که، جسد شاه صفی توسط میرزا محمد مهدی متولی در مرقد حضرت معصومه علیها السلام دفن شد.^۱ محل خاک‌سپاری شاهزاده سلطان حیدر هم به صواب دید سادات آستانه امامزاده حسین تعیین شد.^۲ با وفات هر فرمانروای صفوی، جانشین وی برای بزرگداشت و طلب آمرزشش، مبادرت به اطعام اهالی به ویژه فقرا و درویشان می‌کرد. رویه مذکور، نشانه‌ای از پیوند و عنایت فرمانروا به طبقات مستمند جامعه محسوب می‌شد که در عین حال زمینه اقبال و رضایت عمومی نسبت به عملکرد حکومت جدید را فراهم می‌آورد؛ به‌عنوان نمونه، شاه صفی پس از تدفین شاه عباس اول در مزار امامزاده حبیب بن موسی در کاشان به اطعام فقرای آنجا اقدام ورزید.^۳ شاه عباس دوم هم در امامزاده عبدالعظیم و سپس در حین ورود به قم، فرمان داد که سه روز متوالی خوان سالاران در آستانه حضرت معصومه علیها السلام غذای نذری بدهند و ثواب آن را به آرامگاه پدرش نثار کرد.^۴ پس از اعضای خاندان سلطنتی، مقامات دیوانی مهم به ویژه عالمان بزرگ بیشترین منزلت اجتماعی را در جامعه داشتند. بر همین منوال برای بزرگداشت و کسب تبرک، اجساد بسیاری از دیوانیان و عالمان برجسته عصر صفوی در مراقد امامزادگان تشییع و به رسم امانت نگهداری می‌شدند تا به نوبه خود به مراقد امامان علیهم السلام و یا حضرت معصومه علیها السلام انتقال یابند. به عنوان مثال، در سال ۹۸۳ ق، پس از وفات شیخ الاسلام شاه مظفرالدین علی انجو قاضی عسکر در قزوین، جسدش به امانت در جوار امامزاده حسین نهاده شد تا در اسرع وقت در مرقد امام رضا علیهم السلام تدفین یابد.^۵ در سال ۱۱۳۴ ق، هم میر رفیع‌الدین محمد صدرالممالک در فیروزکوه بیمار شد و به امامزاده عبدالعظیم شهرری آورده شد ولی در آن مکان مقدس وفات یافت. از آنجا جنازه وی را فرزندش خلیفه سلطان صدراعظم به کربلا فرستاد تا در مرقد امام حسین علیهم السلام مدفون شود.^۶

با رسمی شدن مذهب تشیع یکی از شیوه‌های تمسک و تبرک به مراقد مقدس، توسعه قبرستان‌های عمومی مجاور آستانه امامزادگان بود. حکومت صفویه افزون بر تدفین بزرگان حکومتی در حریم امامزادگان با توسعه فضای تدفین اموات نقش بسزایی در ترویج عمومی سنت مذکور ایفا کرد؛

۱. واله قزوینی، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، ۳۱۵؛ وحید قزوینی، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، ص ۳۰۷.

۲. قمی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۶۰۵؛ خاتون آبادی، *وقایع السنین و الاعوام*، ص ۵۱.

۳. ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۳، ص ۱۰۷۹.

۴. واله قزوینی، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، ص ۵۲۵ و ۵۳۹؛ وحید قزوینی، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، ص ۳۴۳.

۵. قمی، *خلاصه التواریخ*، ج ۲، ص ۶۷۱.

۶. ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۳، ص ۱۰۴۱.

به‌عنوان مثال، بارگاه امامزاده جعفر در شهر پیشوا از توابع شهرستان ورامین در زمان شاه‌طهماسب اول ساخته شد و محوطه باز مقابل آن، برای تدفین اموات اختصاص یافت.^۱ اجساد طبقات اجتماعی بامنزلی همچون شاعران یا مقامات محلی برای کسب تبرک حتی الامکان در قبرستان‌های مذکور تدفین می‌شدند؛ ازجمله شاعرانی همچون میر عبدالحق وصفی قمی در سال ۱۰۶۷ ق، در مرقد حضرت معصومه علیها السلام و در سال ۱۰۷۵ ق، حاجی شاه باقر کاشانی در جوار امامزاده حبیب بن موسی کاظم علیه السلام تدفین یافتند.^۲ در همین زمینه، قبرستان عمومی که در مغرب بارگاه حضرت معصومه علیها السلام قرار داشت؛ دارای قبور کهنه و نوی بسیاری بود و مردم نواحی دور و نزدیک حتی الامکان جسد مردگان خود را به آنجا می‌آوردند و به خاک می‌سپاردند.^۳

از خطوط و تاریخ تدفین برجای مانده از سنگ مزارهای برجای مانده کشور می‌توان استنباط کرد که بسیاری از قبرستان‌های هم‌جوار مقابر امامزادگان در اوایل دوره صفویه، هم‌زمان با رسمی شدن مذهب تشیع شکل گرفته‌اند. در گذر زمان با تدفین اهالی محل، قبرستان‌های مذکور گسترش بیشتری یافتند. در گورستان امامزاده هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام ملقب به الازمن شهرستان علی‌آباد کنترل بر روی قدیمی‌ترین سنگ قبر به خط ثلث زیبا تاریخ تدفین علی بن محمد داماد از خاندان مشهور میرداماد، ماه رجب سال ۹۱۰ ق در عهد شاه اسماعیل اول ذکر شده است.^۴ بقعه امامزاده سید علی اکبر شهرضا طبق لوح سنگی آن در دوره شاه عباس اول ساخته شد که دارای قبرستانی مربوط به اوایل دوره صفوی است و سنگ قبری قدیمی به سال ۹۲۰ ق، از دفن سید شاه محمود طباطبایی نامی حکایت دارد.^۵ بر سمت راست بدنه سنگ گهواره‌ای از حواشی امامزاده مرادبخش (منتهی الیه شمالی گورستان امامزاده نور) تاریخ وفات امیر سید حسین شعریاف را ماه شوال سال ۹۲۳ ق در عصر شاه اسماعیل اول آورده است. در نمای سطح بالای سنگ مزار گهواره‌ای دیگری تاریخ وفات صدرالدین بن میر نظام الدین نامی را ماه جمادی‌الثانی سال ۱۰۲۰ ق، در عصر شاه عباس اول قید می‌نماید. سنگ قبری متعلق به محمد مهدی نامی در گورستان امامزاده ساورکلاته متعلق به واپسین دوره حکومت صفویه یعنی عصر سلطنت شاه طهماسب دوم در سال ۱۱۴۵ ق، گستره اهمیت تدفینی در جوار مراقد امامزادگان در تمامی عصر حکومت صفویه را نشان می‌دهد.^۶

۱. جلالی، *مزارات ایران*، ص ۷۲.

۲. شاملو، *قصص الخاقانی*، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۳۱.

۳. شاردن، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۳۱.

۴. معطوفی، *گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، ص ۶۲۲.

۵. جلالی، *مزارات ایران*، ص ۳۵ - ۳۴.

۶. معطوفی، *گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، ص ۳۰۳ و ۶۱۸.

متولیان مقابر امامزادگان مشهور، منزلت سیاسی و اجتماعی والایی داشتند. آنان از جانب پادشاه صفوی تعیین می‌شدند که همواره شامل مقامات بلندپایه دیوانی و نظامی (مانند قورچی باشی) و به‌ویژه عالمان سرشناس از خاندان‌های کهنی همچون مرعشی، رضوی و امامی بودند؛ به‌عنوان مثال، در سال ۹۳۲ ق شاه‌طهماسب اول، تولیت آستانه امامزاده حسین بن سلطان علی بن موسی‌الرضا^ع را به همراه منصب نقیب الاشرافی به سید زین‌العابدین مرعشی واگذار کرد و مصمم بود به‌سبب شهرت علمی و دین‌داری، وی را به‌عنوان فرستاده سیاسی به نزد سلطان عثمانی اعزام نماید.^۱ در این میان، مهم‌ترین منصب، تولیت آستانه حضرت معصومه^ع بود که از جمله متولیان آن می‌توان به میرزا محمدمهدی اشاره کرد که پس از وفات پدرش میرزا حبیب‌الله، حائز منصب صدر الممالکی شد.^۲

در صورت احراز شایستگی علمی و اخلاقی، گاهی تولیت یا سیورغال متولیان آستانه امامزادگان به‌صورت پدر میراثی یا خویشاوندی تداوم می‌یافت که معمولاً پیرامون مراقد امامزادگانی که سلسله‌مراتب اداری گسترده‌ای نداشتند، مرسوم بود؛ به‌عنوان نمونه، در فرمان سال ۹۴۸ ق از شاه‌طهماسب اول، مقرر شد تا تولیت آستانه حضرت معصومه^ع به سید شجاع‌الدین سلطان محمود فرزند سید مرشدالدین رشید الاسلام متولی سابق واگذار شود. شاه‌عباس اول هم در فرمان سال ۱۰۱۷ ق، سیورغال میر شمس‌الدین نقیب رضوی متولی آستانه حضرت معصومه^ع در روستای ابرین غارری را به برادر و تنها وارثش ظهیرالدین ابراهیم واگذارد.^۳ خاندان امامی اصفهان در عصر صفویه همواره عهده‌دار تولیت مزار امامزاده‌ها ابراهیم بطحانی و زین‌العابدین و بقعه منسوب به امام سجاد^ع بودند که در این میان می‌توان به میرزا مرتضی، میرزا محمد ربیع و میرزا ابوطالب نام برد که به‌صورت خاندانی سیورغالات و موقوفات فراوان و معاف از مالیات دیوانی را در اصفهان اداره می‌کردند.^۴ خاندان متولی امامزاده عبدالله به‌شیوه مشارکت خانوادگی اداره می‌شد. دو برادر به اسامی درویش‌الله داد و درویش حسین سرسلسله خاندان مذکور بودند. در قدیمی‌ترین فرمان مربوط به این دو برادر که متعلق به سال ۱۰۷۷ ق و عصر شاه سلیمان صفوی است؛ آنان از پرداخت هرگونه مالیات پیرامون اراضی و آب وقفی آستانه معاف شده‌اند. در

۱. شاه‌طهماسب، *تذکره*، ص ۱۳.

۲. شاردن، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۳۱؛ واله قزوینی، *ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم*، ص ۴۹۳.

۳. مدرسی طباطبائی، *تولیت پاکان*، ص ۲۲۴ و ۲۲۹؛ نمونه مشابه: به‌حسب شروط واقف، تولیت امامزاده ابوجعفر محمد به میرزا رفیع‌الدین محمد تعلق داشت ولی وی آن را به میرزا ابراهیم خویشاوندش تفویض نمود. مولانا وجیه‌الدین فضل‌الله عقدایی هم در علوم معقول و منقول در آستانه مذکور به مباحثه علوم دینی اشتغال داشت. (مستوفی، *جام مفیدی*، ج ۳، ص ۵۲۴).

۴. نصرآبادی، *تذکره*، ص ۱۰۲؛ خاتون‌آبادی، *وقایع السنین و الاعوام*، ص ۴۸۹؛ نوایی، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، شاه سلطان حسین*، ص ۱۸۱ - ۱۷۹.

سال ۱۰۷۹ ق، به سبب تعدی محصلان مالیاتی، این حکم با حضور متولیان در پایتخت مجدداً تأیید شد. در سال ۱۰۸۹ ق، هم حکم تولیت اولاد دو درویش مذکور برای آنان ارسال و سپس در سال ۱۱۱۶ ق، حکم معافیت از تکالیف دیوانی توسط شاه سلطان حسین تمدید گردید.^۱

دو سرکار^۲ یا اداره تولیت بزرگ امامزادگان، آستانه‌های حضرت معصومه علیها السلام و شاه عبدالعظیم حسنی محسوب می‌شدند. حوزه وظایف و اختیارات متولیان کشور، نظارت کامل بر موقوفات و حق عزل و نصب مناصب سرکار آستانه قلمداد می‌شد که در عوض حدوداً ده درصد از درآمد موقوفات را به‌عنوان حقوق سالانه دریافت می‌کردند. نظارت مذکور بیشتر پیرامون سرکار آستانه‌های کوچک که تقسیم وظایف چندانی نداشتند، برقرار بود؛ چنان‌که، میرزا ابراهیم متولی مزار امامزاده سهل بن علی علیه السلام سالی یک‌بار جهت ضبط درآمد موقوفات و انتظام آستانه بدانجا می‌رفت و باقی ایام را به تحصیل علوم و تهذیب اخلاق مشغول بود.^۳ باین‌همه، متولیان سرکارهای بزرگ عملاً نقش چندانی در تعیین و نظارت بر سایر مناصب رسمی آستانه‌ها نداشتند و پادشاهان صفوی شخصاً آنان را انتخاب می‌کردند چراکه درواقع، فرمانروای صفوی متولی اصلی مراقد مقدس شناخته می‌شد و سایرین به نیابتش، منصب تولیت را عهده‌دار بودند؛ به‌طوری‌که در فرمان سال ۹۷۲ ق از شاه طهماسب اول خطاب به امیر سلطان احمد متولی و مدرس آستانه حضرت معصومه علیها السلام، شش نفر حافظ قرآن سوای حافظ آستانه برای تلاوت در سر قبر خواهرش سلطانم تعیین شد.^۴ شاه سلیمان هم در فرمان سال ۱۰۸۹ ق، منصب استیفای موقوفات آستانه حضرت معصومه علیها السلام و حقوق مقرر آن را به میرزا محمدجعفر قمی به‌عنوان جانشین پدرش واگذار.^۵

آرامگاه تعدادی از پادشاهان صفوی (شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان) در جوار آستانه حضرت معصومه علیها السلام قرار داشت و هرکدام متولی جداگانه‌ای داشتند. به همین جهت، به تدریج تعداد متولیان آنجا که بدانان «تربت دار» اطلاق می‌شد در دوره حکومت شاه سلطان حسین به چهار نفر رسید که جزو مقامات بلندپایه حکومتی محسوب می‌شدند؛ چنان‌که، شاه سلطان حسین پس از زیارت آستان مقدس و مراقد پادشاهان صفوی، چهار دست خلعت برای متولیان مذکور فرستاد. در هرکدام از آرامگاه‌های چهارگانه، متولیان بر مناصبی همچون امام جماعت، مؤذن، قنبدیل چی، نگهبان و مأموران نظافت و

۱. معطوفی، *گرگان و استرآباد سنگ‌زارها و کتیبه‌های تاریخی*، ص ۷۱۶ - ۷۱۵.

۲. در دستگاه دیوانی قدیم به معنای اداره بود.

۳. میرزا رفیعا، *دستور الملوک*، ص ۱۷۷؛ نصرآبادی، *تذکره*، ص ۹۷.

۴. نمونه مشابه: حافظان قرآنی در امامزاده حبیب بن کاظم علیه السلام تعیین شدند تا به‌صورت شبانه‌روزی بر سر جنازه شاه‌عباس

اول به تلاوت قرآن مجید مشغول باشند. (ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج ۳، ص ۱۰۷۹)

۵. مدرسی طباطبائی، *تربت پاکان*، ص ۲۲۷ و ۲۵۴؛ نمونه مشابه: شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۰ ق، منصب کلیدداری آستان حضرت معصومه علیها السلام را به میرزا محمدابراهیم مستوفی واگذار. (همان، ص ۲۵۶)

مسئول تهیه آب وضو و تطهیر نظارت می کردند. مبالغ پول نذری زائران هم هفته‌ای یک‌بار میان کارکنان حرم مقدس حضرت معصومه علیها السلام تقسیم می شد.^۱

جایگاه فرهنگی مراقد امامزادگان

در آستانه برخی از امامزادگان، اشیای متبرک منسوب به آنان به اشکال گوناگون در اطراف قبورشان نگهداری می شد. اهالی محل هرکدام از آن اشیاء را حاوی کرامات خاصی می دانستند که موجبات اعتقاد و احترام راسخ آنان و طلب استغاثه برای گشایش مشکلاتشان را فراهم می آورد؛ به عنوان مثال، بر روی قبر امام زاده میراحمد بن محمد بن علی علیه السلام در ده بریز از توابع لارستان، تسبیحی وجود داشت که اهالی روستا معتقد بودند با آن معجزه می کرد و گوی آویزان از سقف را نشانه‌ای از قدرت و عظمت او می دانستند.^۲ ضریح مقبره شاه رضا در شهر قمشه هم پوشیده از چهارچوب بود که اهالی به آن نشانه‌هایی از تمسک می آویختند. در محوطه بیرون مقبره دو حوض پر از ماهی وجود داشت که به بعضی از آنها حلقه‌های کوچکی از مس، طلا یا نقره می زدند که به باور مردم نشانه تقدیس بود.^۳ تبرک فراوان منبعث از امامزادگان گاهی در القاب آنان نیز تجلی می یافت؛ چنان که، امامزاده ابراهیم واقع در مشهد سر به ابو جواب یعنی آن کس که اجابت می کند، شهرت داشت.^۴

اعتقادات تامه پیرامون آستانه امامزادگان در سنگ‌نوشته‌های قبور اطراف آنان هم تجلی می یافت که برگرفته از آیات قرآنی، صلوات بر ائمه علیهم السلام و یا باورهای عامیانه بودند؛ به عنوان مثال، شکل سنگ مزاری در گورستان امامزاده نور گرگان متعلق به اوایل حکومت صفویه، حوضچه مانند و محل تجمع آب هست که احتمالاً بی‌ارتباط با این اعتقاد که آب سبب نورانی کردن قبر می شود، نبوده است.^۵ در سنگ‌نوشته‌های قبری در همان حوالی از آیه‌الکرسی و صلوات کبیر و در سنگ گهواره خواجه علی همدان در جلوی امامزاده نور بر چهارده معصوم علیهم السلام صلوات فرستاده شده است.^۶ اعتقاد و حرمت فراوان مردم به مقابر مذکور موجب می شد تا گاهی جنبش‌های فرقه‌ای با تکیه بر اعتقادات عامیانه شکل بگیرند که به‌ویژه در هنگامه بحران‌های سیاسی و نارضایتی‌های اجتماعی تبلور می یافت؛ از جمله در سال ۱۰۴۰

۱. شاردن، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۲۵ و ۵۳۱؛ نصیری، *دستور شهریاران*، ص ۱۱۴.

۲. هربرت، *سفرنامه*، ص ۴۶؛ نمونه مشابه: در روی قبر امامزاده شاه بزرگ روستای ایزدخواست دستار و سلاحی قرار داشت که به اعتقاد مردمان محل متعلق به وی بوده است. (شاردن، *سفرنامه*، ج ۴، ص ۱۳۶۷)

۳. همان، ص ۱۳۶۴؛ تاورنیه، *سفرنامه*، ص ۳۲۴.

۴. رابینو، *مازندران و استرآباد*، ص ۱۲۱.

۵. معطوفی، *گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، ص ۳۰۲.

۶. همان، ص ۳۰۶ - ۳۰۵.

ق، درویش رضا به همراه مریدانش در آستانه امامزاده حسین در قزوین بر قبر سیدی مدفون به نام میر فغفور لاهیجی حاضر شدند. آنان اعلام داشتند که درویش با دعای درویش زنده خواهد شد لذا مردم به سبب وفور اعتقاد از شهر قزوین به نزد درویش شتافتند و وعده‌های وی را نشانه‌های ظهور صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌هم و روز قیامت دانستند.^۱ اعتقاد عامیانه مشابه‌ای پیرامون امامزاده میرعلی بن حسین مدفون در مسجد لار وجود داشت که به زودی زنده می‌شود و با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که آمدن او را پانصد سال پیش از تولدش پیش‌بینی کرده بود، همراه خواهد شد.^۲

به جهت کسب تبرک و اجابت حاجات، آستانه امامزادگان محل زیارت و دعای زائران کثیری بودند. باین‌همه، موقعیت استقرار آستانه‌ها نسبت به مسیرهای اصلی یا فرعی، نقش مهمی در میزان شهرت و زیارت اهالی دور و نزدیک ایفا می‌کرد؛ چنان‌که، مزار ابوالقاسم حمزه در قصبه ترشیز و مقابر امامزادگان عبدالله و سید صالح در شهر شوشتر محل زیارت اهالی محل بودند.^۳ باین‌همه، مزار امامزادگانی همچون حضرت معصومه علیها‌السلام در قم، صالح بن کاظم علیه‌السلام در کاشان و عبدالعظیم حسنی در ری به سبب چندوجهی بودن کارکردشان در زمینه‌های زیارتی، آموزشی، دیوانی و علمی شهرت فراوانی کسب می‌کردند. مقابر مذکور همواره پذیرای زواری از کشورهای همسایه حتی مقامات رسمی بودند؛ به‌عنوان نمونه، در سال ۹۴۹ ق جان جوهره نام و خداوردی بیگ فرستادگان سیاسی خوانین ماوراءالنهر به همراه حاجی آقا مهماندار شاه‌طهماسب اول به زیارت امامزاده عبدالعظیم شتافتند.^۴ به سبب اهمیت زیارتی فراوان اماکن مذکور و وفور مزار امامزادگان، قم را دارالموحدین و کاشان را دارالمؤمنین می‌خواندند.

جایگاه اقتصادی مراقد امامزادگان

پادشاهان صفوی اهتمام ویژه‌ای برای ترویج مذهب تشیع در گوشه و کنار مملکت داشتند تا دین‌داری اهالی محلی را تقویت نمایند؛ از جمله راهکارهای آنان کشف و توسعه قبور امامزادگان بود که با انضمام ساختمان‌های وابسته‌ای همچون مدرسه دینی و قبرستان عمومی، کار ویژه‌های متنوعی همچون ترویج زیارت و تبرک، اعتکاف و بست‌نشینی، تدریس و تدفین می‌یافتند. فرمانروایان صفوی به هنگام لشکرکشی، شکار یا کندوکاو مزارها، به تعمیر و توسعه قبور امامزادگان اقدام می‌کردند؛ در این میان،

۱. واله قزوینی، *ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم*، ص ۱۰۲.

۲. هربرت، *سفرنامه*، ص ۴۴.

۳. واله قزوینی، *ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم*، ص ۱۶؛ شوشتری، *تذکره شوشتر*، ص ۲۱؛ نمونه مشابه: مقبره شاه احمد در اصفهان مورد زیارت اهالی بومی بود. (شاردن، *سفرنامه*، ج ۴، ص ۱۴۱۵)

۴. منشی قزوینی، *جواهر الاخبار*، ص ۱۹۲؛ دلاواله، *سفرنامه*، ص ۱۳۵؛ نمونه مشابه: در میان زوار مزار سید قوام‌الدین مرعشی، جماعتی عرب حضور داشتند. (هربرت، *سفرنامه*، ص ۱۰۵)

آستانه امامزادگانی که در مسیرهای اصلی تردد و سیاحت آنان قرار داشتند، بیشتر مورد توجه و عمران قرار می‌گرفت؛ به عنوان نمونه در سال ۹۲۱ ق، شاه اسماعیل اول بعد از سیاحت در مرغزاری سرسبز به زیارت آستانه امامزاده سهل بن علی شتافت و فرمان داد به‌جای بقعه ویرانه، عمارت و گنبدی مناسب با چهارباغی جهت سکونت ساخته شود.^۱ هم‌زمان با تعمیرات اساسی و بخشش خراج موقوفات آستانه‌ها در قالب «خیرات و صدقات»، شاه اسماعیل اول در طی احکامی تعدیات دیوانیان و لشکریان بر زمین‌های وقفی مزارهایی همچون حضرت معصومه علیها السلام و کیا ابوالحسین در تنکابن را ممنوع اعلام کرد تا امنیت مالی - زیارتی و رسوم کهن مراقد متبرکه احیاء شود.^۲ سایر مقامات دیوانی حکومت شاه اسماعیل اول هم به سبب وظایف دیوانی و یا برای ابراز دین‌داری و تعلق خاطر به گسترش شعائر شیعی، به توسعه مراقد امامزادگان اهتمام می‌ورزیدند. در سال ۹۱۸ ق، میرزا شاه حسین و کیل السلطنه، مدرسه‌ای در صحن امامزاده هارون ولایت ساخت.^۳ علی جابری انصاری وزیر فارس هم تعمیرات اساسی در آستانه امامزاده سید علاءالدین حسین صورت داد و چندین روستا و مزرعه را وقف بر آن نمود.^۴

به مرور زمان با گسترش مذهب تشیع و سلسله مراتب روحانی در کشور، ضرورت ساماندهی و توسعه مراقد مقدس برای برآورده‌سازی حاجات دینی مردم بیشتر شد. در دوران سلطنت شاه‌طهماسب و شاه‌عباس اول اقدامات عمرانی متعدد و مشابه‌ای در مزار امامزادگان صورت پذیرفت. در عصر شاه‌طهماسب اول، مراقدی بر قبور امامزادگانی همچون امامزاده عبدالعظیم در ری، شاهزاده حسین در قزوین، یحیی بن زید در روستای میامی مشهد و محمد محروق در نیشابور ساخته شد. به‌منظور تداوم خیرات و صدقات، شاه‌طهماسب اول آستانه‌های حضرت معصومه علیها السلام و عبدالعظیم حسنی را نذر سنتی خویش می‌دانست و درآمد نقدی و جنسی موقوفات و نذورات آنان را صرف مستحقین و درویشان می‌کرد.^۵ شاه‌عباس اول برای ترویج زیارت مراقد مقدس، اقدامات عمرانی و رفاهی فراوانی صورت داد که نشان‌دهنده کاهش چشمگیر جایگاه و شعائر طبقات مختلف صوفی و رونق روزافزون شعائر رسمی شیعی تحت لوای عالمان برجسته بود؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۰۱۶ ق، فرمانروای صفوی عمارتی عالی،

۱. واله قزوینی، *ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم*، ص ۱۵۳؛ جنابدی، *روضه الصفویه*، ص ۱۸۹؛ امینی، *فتوحات شاهی*، ص ۲۵۶.

۲. مدرسی طباطبائی، *تربت پاکان*، ص ۲۱۷؛ لاهیجی، *تاریخ خانی*، ص ۳۳۹.

۳. قمی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۱۵۱؛ مهدوی، *اصفهان دارالعلم شرقی*، ص ۲۶۷.

۴. فسائی، *فارس نامه ناصری*، ج ۲، ص ۱۰۶۵؛ نمونه مشابه: در سال ۹۲۹ ق، شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل، املاکی را در قم و سلطانیه بر مزار حضرت معصومه علیها السلام وقف کرد. (قمی، *خلاصه التواریخ*، ج ۱، ص ۲۹۰)

۵. همان، ج ۱، ص ۵۹۸ و ۶۰۹؛ جلالی، *مزارات ایران*، ص ۱۹۲، ۲۱۶ و ۲۵۴؛ نمونه مشابه: طبق کتیبه امامزاده مراد بخش، تاریخ ساخت بنا مربوط به دوره شاه‌طهماسب اول است. (رابینو، *تاریخ مازندران و گرگان*، ص ۱۲۲)

تالاری وسیع، کاروان‌سرا، خانه متولی و آش‌خانه‌ای در املاک سلطنتی خویش در گرداگرد مزار امامزاده مریم بنت موسی کاظم علیه السلام در ده محمدی ساخت و در پاره‌ای اوقات به همراه دیوانیان در آنجا اسکان می‌گزید.^۱ در سال ۱۰۰۷ ق، وی بقعه سید حمزه تبریز را مرمت و در سال ۱۰۱۷ ق، بر فراز مزارات عون بن علی و زید بن علی در قله کوه سرخاب تبریز که بی‌رونق و بی‌علامت بود، عمارتی عالی بنا نهاد.^۲

تا نیمه دوم حکومت صفویه، بیشتر مراقد امامزادگان کشور سامان‌دهی شدند و ضمن ساخت مجموعه عمارات متعدد از قبیل مدرسه دینی، زایرسرا و کتابخانه، املاکی برای تأمین مخارجشان وقف گردید. به همین جهت، در اکثر اوقات پادشاهان متأخر صفویه به تعمیر یا وقف نذورات به آستانه‌ها اقدام می‌کردند؛ به‌عنوان مثال، شاه صفی امامزاده محمد محروق در نیشابور را مرمت کرد.^۳ در عهد شاه سلیمان، مبلغ هفت صد تومان مخارج نگهداری و تعمیر و ترمیم بناها، هزینه نگهداری اثاثه، بهای شمع و روغن مشعل‌ها، خرج روزانه روحانیون ساکن آستانه و طلب‌علوم دینی و هزینه اطعام مستمندان در آستانه حضرت معصومه علیها السلام می‌شد.^۴ شاه سلطان حسین هم امامزاده شعیب در سبزوار و مدرسه امام زاده اسماعیل اصفهان را تعمیر نمود.^۵ افزون بر آن، فرمانروایان متأخر صفوی و از جمله شاه سلطان حسین، نسخه‌های مختلفی از کلام‌الله مجید را وقف مرقد حضرت معصومه علیها السلام می‌کردند.^۶

اهتمام ویژه پادشاهان صفوی به ساخت و تعمیر آستانه امامزادگان، موجب ترویج مذهب تشیع و رونق سفرهای زیارتی در سراسر کشور شد. برخی از بازدیدکنندگان اروپایی به هنگام سیاحت در نواحی مختلف، ضمن توصیف اماکن مقدس متعدد، تعداد تخمینی مراقد امامزادگان محل را برشمرده‌اند؛ از جمله، در هر کدام از ایالات قم و فارس، مقابر افزون بر چهارصد امامزاده وجود داشت.^۷ در ناحیه چهارم فارس از آرامگاه چهار امامزاده به نام‌های خواجه، محمد، اسماعیل و علی یاد شده است.^۸ بسیاری از قبور

۱. منجم یزدی، *تاریخ عباسی*، ص ۴۸۳ و ۵۵۳.

۲. اسرار تبریزی، *منظر الاولیاء*، ص ۵۵؛ جلالی، *مزارات ایران*، ص ۱۶؛ نمونه مشابه: امامزاده قاسم آران و بیدگل توسط زینب بیگم عمه شاه‌عباس اول بازسازی شد و نصف مزرعه ایوب‌آباد وقف مصارف آن شد. (همان، ص ۲۱۸)

۳. همان، ص ۲۱۶.

۴. شاردن، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۳۱؛ نمونه مشابه: در عهد شاه سلیمان، بقعه سید حمزه در تبریز توسط میرزا محمدابراهیم ظهیرالدین وزیر آذربایجان تعمیر شد و توسعه یافت. (جلالی، *مزارات ایران*، ص ۱۶)

۵. مستوفی، *زبده التواریخ*، ص ۱۳۷۵؛ مهدوی، *اصفهان دارالعلم شرقی*، ص ۲۷۹.

۶. مدرسی طباطبائی، *توبت پاکان*، ص ۱۷۲؛ نمونه مشابه: در سال ۱۱۱۹ ق، طبق سنگ‌نبشته مزار امامزاده قاسم آران و بیدگل، قنات روستای تلاگرد وقف آن شد. (جلالی، *مزارات ایران*، ص ۲۱۸)

۷. شاردن، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۱۹ و ج ۵، ص ۱۸۹۸.

۸. هربرت، *سفرنامه*، ص ۴۹ - ۴۸؛ نمونه مشابه: تاورنیه سیاح فرانسوی به مراقد مقدس شیراز اشاره کرده است. (تاورنیه، *سفرنامه*، ص ۳۳۴)

امامزادگان در واقع سادات عالی مقامی بودند که با چندین واسطه به حضرات ائمه علیهم السلام منتسب می‌شدند. با این همه، منزلت والای مراقد امامزادگان و همچنین شخص متوفی در باور اهالی و مقامات دیوانی، گاهی موجب شد تا رویه مذکور در دوره صفویه هم تداوم یابد؛ چنان که در سال ۱۱۲۰ ق با وفات میرحسین از سادات قصبه اصطهبانات که جد اعلائی خاندان حسینی محسوب می‌شد، به‌مرور زمان آرامگاه گنبددارش در حسین‌آباد مموی فسا مشهور به امامزاده حسین شد.^۱

نتیجه

هم‌زمان با تأسیس حکومت صفویه و رسمیت یافتن مذهب تشیع در کشور، فرمانروایان صفوی اهتمام ویژه‌ای برای گسترش شعائر شیعه از جمله ترویج فرهنگ زیارت مقابر مقدس به‌عنوان یکی از ستون‌های مشروعیت بخش حکومتشان نشان دادند. دوردستی مقابر ائمه علیهم السلام در عتبات عالیات و مشهد مقدس برای عموم مردم، ضرورت توجه به گسترش مراقد امامزادگان محلی در نقاط مختلف کشور به‌ویژه در مسیرهای پرتردد را مشخص ساخت. به همین جهت، فرمانروایان و مقامات دیوانی حکومت صفوی اهتمام خاصی برای شناسایی مقابر امامزادگان و انجام اقدامات عمرانی در قالب مرمت و ساخت بناهایی از قبیل آرامگاه، مدرسه، قبرستان عمومی، وقف دکاکین و مزارع و همچنین تقسیم نذورات میان مستمندان و تعیین مناصب اداری بخصوص متولی داشتند. کرامات منتسب به امامزادگان که در قالب وسایل شخصی منسوب به آنان، شفای بیماران و شکست دشمنان تجلی می‌یافت، منبع روحانی مهمی برای نذر و طلب استغاثه طبقات مختلف اجتماعی از جمله فرمانروایان صفوی بود. کرامات فوق به همراه ویژگی‌هایی همچون انتساب امامزادگان به ائمه علیهم السلام، وارستگی شخصی و شهادت توسط دشمنان، منزلت اجتماعی والایی را موجب شده بود که افزون بر زیارت، به تدفین شخصیت‌های برجسته دیوانی در مقابر اختصاصی و سایر طبقات اجتماعی در قبرستان‌های عمومی پیرامون مراقد امامزادگانی همچون حضرت معصومه علیها السلام در قم و شاهزاده حسین در قزوین برای بزرگداشت و کسب تبرک انجامید. ویژگی بارز دیگر منزلت اجتماعی بالای مراقد امامزادگان در قالب بست‌نشینی گناهکاران، اعتکاف عالمان و درویشان و پناهندگی عموم اهالی در هنگامه آشوب‌های اجتماعی از جمله حملات نظامی حکومت عثمانی تبلور می‌یافت.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌زاده، اکرم و احمد صالحی، «امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی - ده بید فارس؛ خانقاهی از عصر ایلخانی - تیموری»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش ۱۹، ص ۱۸۶ - ۱۶۷، ۱۳۹۷.

۱. فسایی، *فارس‌نامه ناصری*، ج ۲، ص ۱۲۵۸؛ نمونه مشابه: آستانه امامزاده محمد حنفیه هم به گمان اهالی بندر بوشهر در جزیره خارک بود. (خاتون آبادی، *وقایع السنین و الاعوام*، ص ۵۱)

۲. اسرار تبریزی، محمد کاظم بن محمد و محدث، هاشم، *منظر الاولیاء*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۳. امینی، امیر صدرالدین ابراهیم، *فتوحات شاهي*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴. تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۳.
۵. ترکمان، اسکندربیک، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۶. تیموری، بهزاد، «کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامزاده‌ها، بقاع متبرکه و روادگاه‌های ایوان»، *فرهنگ ایلام*، دوره نوزدهم، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۲۲-۲۰۳، ۱۳۹۷.
۷. جلالی، غلامرضا، *مزارات ایران*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.
۸. جنابدی، میرزا بیگ، *روضه الصفویه*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
۹. خاتون‌آبادی، عبدالحسین الحسینی، *وقایع السنین و الاعوام*، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۲.
۱۰. خلعتیری لیماکی، مصطفی، «بقاع متبرکه و امامزاده‌های غرب مازندران»، *فرهنگ مردم ایران*، ش ۳۴، ص ۱۵۰-۱۳۰، ص ۱۵۷-۱۴۵، ۱۳۹۲.
۱۱. دلاواله، پیتر، *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۲. رایینو، یاسنت لویی، *مازندران و استرآباد*، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۳. زمرشیدی، حسین و علی صادقی، «تزیین‌های معماری در بارگاه و بقاع متبرکه امامزادگان مبتنی بر نقوش اسلامی»، *شهر ایرانی اسلامی*، ش ۲۴، ص ۲۰-۵، ۱۳۹۵.
۱۴. ژاکن، فردریک، *سفر به ایران در قرن هفدهم*، ترجمه سعیده بوغیری، تهران، البرز، ۱۳۹۵.
۱۵. سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، ۱۳۸۰.
۱۶. شاردن، ژان، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
۱۷. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۸. شاه‌طهماسب، *تذکره*، مصحح عبدالشکور مدبر، برلین، کاویانی، ۱۳۴۳ ق.
۱۹. شوشتری، سید عبدالله، *تذکره شوشتر*، کلکته، بیپتس میشن پریس، ۱۳۴۳ ق.
۲۰. صدرحاج سید جوادی، احمد، *دایرةالمعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۰.
۲۱. عابدی، مهدی و غلامحسن دژند، «سیر تاریخی بناهای آرامگاهی و بقاع متبرکه در ایران دوره اسلامی (مطالعه موردی بقاع متبرکه استان کهگیلویه و بویراحمد)»، *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، س ۱، ش ۴، ص ۵۱۲-۴۹۳، ۱۳۹۷.

۱۴۸ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۴، تابستان ۱۴۰۲، ش ۵۱

۲۲. علوی علی آبادی، فاطمه و سید علی رضا واسعی، «کارکرد امنیت بخشی امامزادگان در ایران»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۹، ش ۳۱، ص ۴۶-۲۵، ۱۳۹۷.
۲۳. فسایی، حسن بن حسن، *فارس نامه ناصری*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۲۴. فیگوروا، دن گارسیا دسیلوا، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
۲۵. قمی، احمد بن شرف‌الدین الحسین الحسینی، *خلاصه التواریخ*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۶. کامرانی راد، سید امیرحسین، «معرفی مجموعه مقالات حرمت حرم»، *وقف میراث جاویدان*، س ۲۲، ش ۸۷، ص ۲۱۴-۱۷۷، ۱۳۹۳.
۲۷. لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، *تاریخ خانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۲۸. متقی نیک، روح‌الله و نفیسه زارعی، «درنگی در جایگاه امامزادگان و تأثیر آن در توسعه فرهنگ زیارت»، *احسن الحدیث*، ش ۳، ص ۸۶-۶۶، ۱۳۹۶.
۲۹. مدرسی طباطبائی، حسین، *توبت پاکان*، قم، مهر، ۱۳۳۵.
۳۰. مستوفی، محمد مفید، *جامع مفیدی*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.
۳۱. مستوفی، محمدمحسن، *زبده التواریخ*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۵.
۳۲. معطوفی، اسدالله، *گرگان و استرآباد سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی*، تهران، حروفیه، ۱۳۸۷.
۳۳. منتظرالقائم، اصغر، «بررسی نقش و کارکرد امامزاده‌ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تأکید بر امامزاده‌های شیراز و یزد»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، س ۱۲، ش ۴، ص ۱۵۰-۱۳۰۰، ۱۳۹۹.
۳۴. منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد، *تاریخ عباسی*، تصحیح مقصود علی صادقی، تهران، نگارستان اندیشه، ۱۳۹۹.
۳۵. منشی قزوینی، بوداق، *جواهر الاخبار*، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷.
۳۶. مهدوی، مصلح‌الدین، *اصفهان دارالعلم شرقی*، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۸۶.
۳۷. میرزارفیع، محمدرفیع بن حسن، *دستور الملوک*، تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
۳۸. میرمحمدصادق، سید سعید، *تاریخ صفویه به روایت سنگ‌نشته‌ها*، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۰.

۳۹. نصر آبادی، میرزا محمدطاهر، **تذکره**، تهران، ارمان، ۱۳۱۷.
۴۰. نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین، **دستور شهریاران**، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
۴۱. نوایی، عبدالحسین، **اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، شاهسلطان حسین**، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۴۲. هربرت، تامس، **سفرنامه**، ترجمه حسن جوادی و ویلم فلور، تهران، آدابوم، ۱۴۰۰.
۴۳. هنرفر، لطف‌الله، **اصفهان**، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.
۴۴. واله قزوینی، محمد یوسف، **ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم**، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
۴۵. وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، **تاریخ جهان‌آرای عباسی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی